



درباره زندگی چریک فدایی خلق،

رفیق کیومرث سنجری

ادامه‌ی اعتراضات شکوهمند کارگران

کاغذ پارس هفت‌تپه



سر سخن:

کارگران، در زیر خط فقر"

این یک واقعیت انکار ناپذیر است که اکثریت بزرگی از کارگران کشور به دلیل سیاستهای جمهوری اسلامی به عنوان سگ نگهبان بورژوازی دندان گرد ایران سالهاست که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. تنها نگاهی به مبلغ تعیین شده برای حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۳ و مقایسه آن با خط فقر موجود در سطح جامعه به روشنی نشان می‌دهد که چگونه طبقه حاکمه و رژیم حامی وی، اکثریت کارگران را در زیر خط فقر قرار داده‌اند.

در شرایطی که به گزارش رسانه های خود جمهوری اسلامی، "محاسبات رسمی" در سال گذشته حاکی از آن بود که تا ابتدای سال جاری، سبد معیشت یک خانوار کارگری بین ۲۵ میلیون تا ۳۰ میلیون تومان بوده است. که با توجه به رشد افسار گسیخته تورم بدون شک در سال جاری سبد هزینه های یک خانواده کارگری از این هم بیشتر خواهد بود. اما شورای عالی کار جمهوری اسلامی حداقل دستمزد را برای سال ۱۴۰۳ مبلغ ناچیز ۸ میلیون و ۲۰۸ هزار تومان برای یک ماه تعیین کرد. به این ترتیب کارگران شامل قانون کار با محاسبه مزایای حاشیه ای، عملاً چیزی حدود ۱۰ میلیون تومان در ماه دستمزد خواهند داشت. روشن است که چنین حقوقی ۳ برابر زیر خط فقر تعیین شده توسط خود دست‌اندرکاران رژیم می‌باشد. تازه باید توجه کرد که این حداقل دستمزد مربوط به کارگرانی می‌شود که مشمول قانون کار هستند و نه کارگران کارگاه‌های کوچک زیر ۵ کارگر و ده کارگر که در زمان دولت فربیکار خاتمی از شمول قانون کار خارج شدند. یعنی حدود نیمی از جمعیت کارگران ایران که در کارگاه های کوچک کار می‌کنند و عملاً قانون کار شامل‌شان نمی‌شود و عملاً دستمزدی کمتر از آنچه دولت به عنوان حداقل دستمزد تعیین کرده - که خودش چند بار زیر خط فقر است - می‌گیرند.

این چپاول عریان نیروی کار و شدت استثمار در جمهوری اسلامی در شرایطی است که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی در باره وضعیت فقر در کشور

در صفحه ۲

روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، تعدادی زیادی از کارگران معترض کاغذ پارس هفت‌تپه در تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری شوش حضور یافتند. نزدیک به ده روز پیش ۱۰۰ نفر از این کارگران به صورت دسته‌جمعی اخراج شدند و در ضمن این کارگران هنوز حقوق‌های اسفند و فروردین خود را دریافت نکرده و حق بیمه‌ی این دو ماه آنان نیز پرداخت نشده است. روز پنج‌شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، کارگران شرکت کاغذسازی پارس برای پانزدهمین روز متوالی مقابل فرمانداری شهرستان شوش دست به تجمع زدند. این کارگران خواستار عقد قرارداد مستقیم با حذف واسطه‌ها، راه‌اندازی تمام خطوط تولیدی، و تامین امنیت شغلی پس از پایان اعتراضات هستند.

تجمع در مقابل فرمانداری شوش

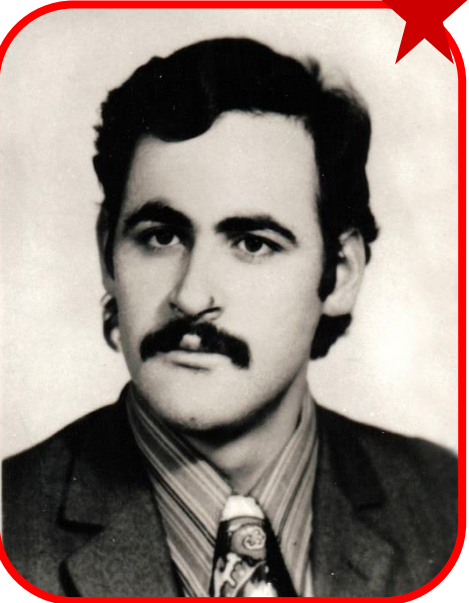
روز سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، سیزدهمین روز تجمع اعتراضی کارگران کاغذپارس هفت‌تپه بود که کارگران کاغذپارس در اعتراض به عدم امنیت شغلی و تعطیلی کارخانه کاغذپارس هفت‌تپه، در مقابل فرمانداری شوش تجمع اعتراضی خود را برگزار کردند. لازم به تأکید است که تا به امروز سه‌شنبه به جز تهدید و ارباب هیچ‌گونه پاسخی از طرف مسئولین شرکت و شهرستان شوش، به خواست و مطالبات کارگران معترض داده نشده است.

اعتصاب و خودداری از تخلیه‌ی بار

خودروهای سنگین در اعتراض به

کاهش سهمیه‌ی سوخت

شامگاه روز سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، رانندگان خودروهای سنگین در ایرانشهر در اعتراض به کاهش سهمیه‌ی سوخت از تخلیه‌ی بار خودداری و با مطالبه‌ی افزایش دوباره‌ی سهمیه، اعتصاب خود را آغاز کردند. پیش از این نیز در طول فروردین ماه سال جاری، رانندگان کامیون در زابل، زاهدان و خاش در اعتراض به کاهش این سهمیه دست به تجمع اعتراضی زده بودند.



چریک فدائی خلق رفیق کیومرث سنجری در خرداد سال ۱۳۳۹ چشم به جهان گشود. در زمان کودکی با انتقال خانواده به تهران، دوران دبستان و دبیرستان خود را در تهران گذراند. بعد از اتمام دبیرستان، در سال ۱۳۴۷ به دانشکده علم و صنعت واقع در منطقه نارمک تهران که در ابتدا دانشسرای عالی نارمک خوانده می‌شد وارد شد و در رشته برق و مکانیک ادامه تحصیل داد. با توجه به وجود جو سیاسی در خانواده، گرایش به مبارزه سیاسی خیلی زود در او شکل گرفته بود. به همین خاطر در دانشگاه در ارتباط با محیط سیاسی جدیدی که در آن قرار گرفت به مطالعه اندیشه‌های انقلابی و مارکسیستی روی آورد و به عنوان یک مبارز سیاسی که خواهان رهایی کارگران از قید هرگونه ستم و استثمار و همچنین خواهان رهایی همه توده‌های تحت ستم ایران از زیر سلطه امپریالیست‌ها و رژیم دست‌نشانده‌شان، رژیم دیکتاتور شاه بود، وارد عرصه مبارزه شده و با مبادرت به اعمال انقلابی‌چندی در مبارزات جاری در جامعه فعالانه شرکت جست.

در شرایطی که حضور وسیع دانشجویان از میان اقشار و طبقات گوناگون جامعه در دانشگاه‌ها و اعتراض آنها به اوضاع ظالمانه حاکم بر ایران، دانشگاه‌ها را به سنگر مبارزه برای آزادی تبدیل کرده بود، رفیق کیومرث سنجری همراه با مبارزین دیگری چون خنساوار سنجری، محمد رضا یثربی، ابراهیم آزادسرو، جلال فتاحی و تعدادی دیگر با شرکت در اعتصابات دانشجویی و با فعالیت‌های مبارزاتی خود به چهره‌های شاخص اعتراضات دانشجویی در دانشکده علم و صنعت تبدیل شدند. البته فعالیت‌های سیاسی کیومرث و یارانش به محیط دانشگاه محدود نبود و در

کارگران در زیر خط فقر... از صفحه ۱

اطلاع داد که "کالری مصرفی بیش از نیمی از مردم ایران در سال ۱۴۰۱ کمتر از استاندارد جهانی بوده است". به واقع وقتی در سال ۱۴۰۱ نیمی از جمعیت کشور کمتر از استانداردهای جهانی امکان تغذیه برای تأمین کالری مورد نیازشان را پیدا می‌کنند نباید شک داشت که در سال جاری

(۱۴۰۳) با توجه به گرانی همه مایحتاج کارگران نسبت به دو سال قبل، سفره آنها کوچک‌تر و کم رونق‌تر هم شده است یعنی کالری بسیار کمتری نسبت به سال ۱۴۰۱ نصیب‌شان شده و می‌شود. این امر به معنی محکوم کردن کارگران به گرسنگی و بیماری‌های بیشتر و در نتیجه مرگ تدریجی آنان است.

واقعیات فوق بیانگر آنند که سرمایه داران ایران و دولت حامی آنها که خود بزرگترین کارفرمای کشور می‌باشد حتی حاضر نیستند ارزش نیروی کار

را در حدی که برای بازتولید آن لازم هست تعیین کرده و بپردازند. به همین دلیل هم کارگران شاغل مجبورند با اضافه کاری‌های دردناک و پیدا کردن شغل‌های دوم و سوم یعنی با مایه گذاشتن از جان خود، نیازهای خانواده‌های‌شان را تأمین کنند. این وضع در شرایطی است که وجود یک ارتش بزرگ از بیکاران که خود حاصل بحران در سیستم سرمایه‌داری است خیال آنها را نسبت به کمبود نیروی کار راحت کرده و دست‌شان را در تشدید استثمار و چپاول دسترنج کارگران کاملاً باز گذاشته است. همین جمعیت بزرگ کارگران جویای کار در کنار دیکتاتوری حاکم - که

امکان سازمانیابی به کارگران نمی‌دهد- است که قدرت چانه‌زنی کارگران برای دستیابی به یک شرایط قابل تحمل انسانی در محیط کار و یا حتی حفظ حقوق ناچیز موجود را محدود ساخته و توازن قوا را کاملاً به ضرر کارگران تغییر داده است.

شرایط و وضعیت موجود یعنی شدت استثمار اعمال شده بر شکی نیست که رهائی کارگران از وضعیت فلاکت‌بار کنونی تنها با نابودی جمهوری اسلامی و سلطه سرمایه‌داران زانو صفت امکان پذیر می‌باشد. اما برای رسیدن به این هدف در شرایطی که دیکتاتوری حاکم جز با زبان زور و با اعمال خشونت ضد انقلابی با کارگران و دیگر توده‌های تحت ستم ایران سخن نمی‌گوید راهی که در مقابل کارگران قرار می‌گیرد اعمال قهر انقلابی توسط کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی قادر خواهد بود در سد دیکتاتوری و نظام سرمایه‌داری ظالمانه حاکم می‌باشد. اعمال قهر انقلابی توسط کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی قادر خواهد بود در سد دیکتاتوری حاکم شکاف ایجاد نموده و با سازماندهی سیاسی - نظامی توده‌های ستم‌دیده توازن قوای موجود بین خلق و ضد خلق را به نفع ستم‌دیدگان بر هم بزند. در چنین اوضاعی چنان شرایط مبارزاتی‌ای بر جامعه حاکم خواهد شد که کارگران امکان سازمان‌یابی خواهند داشت.

کارگر و در پیوند با این طبقه را پیدا نمایند! شکی نیست که رهائی کارگران از وضعیت فلاکت‌بار کنونی تنها با نابودی جمهوری اسلامی و سلطه سرمایه‌داران زانو صفت امکان پذیر می‌باشد. اما برای رسیدن به این هدف در شرایطی که دیکتاتوری حاکم جز با زبان زور و با اعمال خشونت ضد انقلابی با کارگران و دیگر توده‌های تحت ستم

ایران سخن نمی‌گوید راهی که در مقابل کارگران قرار می‌گیرد اعمال قهر انقلابی علیه این دیکتاتوری و نظام سرمایه‌داری ظالمانه حاکم می‌باشد. اعمال قهر انقلابی توسط کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی قادر خواهد بود در سد دیکتاتوری حاکم شکاف ایجاد نموده و با سازماندهی سیاسی - نظامی توده‌های ستم‌دیده توازن قوای موجود بین خلق و ضد خلق را به نفع ستم‌دیدگان بر هم بزند. در چنین اوضاعی چنان شرایط مبارزاتی‌ای بر جامعه حاکم خواهد شد که کارگران امکان سازمان‌یابی خواهند داشت.

برای رسیدن به این موقعیت در شرایط کنونی لازم است کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی دست در دست هم با ایجاد هسته‌های سیاسی نظامی مخفی، جمهوری اسلامی را آماج جملات خود قرار دهند. تنها با گسترش تدریجی و هدفمند مبارزه است که کارگران امکان می‌یابند با تضعیف دیکتاتوری شرایط را برای متشکل شدن و تعبیر توازن قوای کنونی فراهم کرده و با رهبری مبارزه توده‌های مسلح سازماندهی شده، راه پیروزی یعنی نابودی نظم ظالمانه حاکم و دیکتاتوری ذاتی آنها هموار نمایند.

کارگران و در همان حال مشاهده سفره خالی آنها خشم و نفرت‌شان را فزونی بخشیده و به مبارزات و اعتراضات کارگری ابعاد هر چه وسیع‌تری بخشیده است. اما با توجه به دیکتاتوری اعمال شده از سوی جمهوری اسلامی، این مبارزات که در سراسر کشور جریان دارد نشده‌اند به نیاز حیاتی کارگران مبنی بر سازمان‌یابی صفوف این طبقه پاسخ راهگشا بدهند. به همین دلیل هم هست که خود واقعیات این پرسش را در مقابل کارگران قرار می‌دهد که چه باید بکنند تا قادر شوند در شرایط دیکتاتوری لجام گسیخته‌ای که جز زبان زور نمی‌شناسد امکان ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و یک سازمان سیاسی انقلابی مدافع منافع طبقه

تجمع سراسری فرهنگیان شاغل و بازنشسته مقابل

ادارات آموزش و پرورش

روز پنج شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، جمعی از فرهنگیان شاغل و بازنشسته مقابل ادارات آموزش و پرورش در شهرهای هرسین، اسلام آباد غرب، الیگودرز، خمینی شهر، تهران، بوشهر، مریوان، قزوین، رشت، یاسوج، سقز و بوکان دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند. همچنین کانال صنفی معلمان ایران از تجمع این فرهنگیان در مقابل و محل ادارات آموزش و پرورش نورآباد ممسنی، کرج و لنگرود خبر داد. بر اساس این گزارش، تجمعات فرهنگیان در شهرهای تهران و بوشهر با دخالت نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد و پنج تن از فعالین صنفی معلمان همراه با ضرب و شتم بازداشت شدند. آزادی معلمان زندانی و رفع حکم اخراج، انضصال، بازنشستگی زودهنگام و محکومیت با پابند الکترونیکی فعالان صنفی در کشور، آموزش رایگان برای تمامی دانش‌آموزان، به ویژه ۹۳۰ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در کشور، حذف سهمیه کنکور و رفع تبعیضات آموزشی، ایمن‌سازی فضاهای آموزشی برای سه میلیون دانش‌آموزی که در این فضاهای پرخطر درس می‌خوانند، جلوگیری از کالایی شدن و خصوصی‌سازی آموزش بر طبق اصل ۳۰ و بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی، رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، زنانه مردانه کردن علم و نگاه مردسالارانه در کتب درسی، اجرای کامل همسان‌سازی بازنشستگان و اجرای مواد ۱۲۵ و ۶۵ و ۸۵ ق م خ ک (در خصوص بیمه تکمیلی) و نیز پرداخت معوقات ۶ ماهه دوم سال ۱۳۹۹ خورشیدی و برقراری رتبه‌بندی استحقاقی تمامی شاغلین و افزایش حقوق تا سطح خط فقر از جمله مطالبات این افراد عنوان شده است.



در باره زندگی رفیق کیومرث از صفحه ۱

همان زمان آن ها از یک سو برنامه های منظم کوهنوردی ترتیب داده و به همراه رفقای غیر دانشجوی خود به کوهنوردی و تمرینات بدنی می پرداختند و از طرفی دیگر به رد و بدل کردن آثار مارکسیستی و کتاب هائی که آگاهی آنان را نسبت به تاریخ و مسایل مردم ایران ارتقاء می داد مبادرت کرده و آن ها را مطالعه و در موردشان بحث می کردند. یکی از برجسته ترین فعالیت های رفیق کیومرث در عرصه فعالیت های اجتماعی، شرکت وی در مراسم هفتم و نهم چهلیم مرگ "جهان پهلوان تختی" در اواخر سال ۱۳۴۶ بود که با توجه به باور عمومی که تختی به دست رژیم شاه به قتل رسیده، به تظاهراتی بزرگ علیه دیکتاتوری حاکم تبدیل شده بود. شرکت در اعتراضات مردمی در زمان بازی فوتبال بین تیم های ایران و اسرائیل در فروردین سال ۱۳۴۹ که در آن برهه از جمله رویدادهای سیاسی برجسته بود، یکی دیگر از عرصه های فعالیت کیومرث و برادران و دوستانش در مبارزات سیاسی جاری در جامعه بود. در جریان یکی دیگر از مبارزات برجسته مردمی نیمه دوم دهه چهل یعنی اعتراض مردم تهران به گران شدن بلیط اتوبوس های شرکت واحد در سال ۱۳۴۸، کیومرث همراه با جمع دوستانش که یک محفل مبارزاتی را در آن سال ها تشکیل می دادند، نقش بزرگ و پر اهمیتی را ایفاء کردند. آن ها وظیفه تدارک برای آن اعتراض را به عهده گرفته و با شعار نویسی روی دیوار ها و تعیین تاریخ مشخص برای ابراز اعتراض مردم نسبت به گران شدن قیمت اتوبوس، در بسیج مردم مبارز در تظاهرات ۲ اسفند سال ۱۳۴۸ سهم مبارزاتی خود را ادا کردند؛ و خود با شرکت فعال در تظاهرات آن روز، تجربه آموخته و به عنای تجربیات مبارزاتی خود افزودند. رشد روز افزون فعالیت های مبارزاتی رفیق کیومرث و رفقاییش در عین حال که تجربیات مبارزاتی آنان را فزونی می بخشید باعث هر چه گسترده تر شدن روابط آن ها نه صرفاً در محیط دانشگاه بلکه در خارج از آن، با مبارزینی می شد که بعضی از آنها چپ هم نبودند.

در جریان بازی فوتبال تیم های ایران و اسرائیل که به تظاهراتی بر علیه اسرائیل تبدیل شد، عده ای با کونکول مولوتف به دفتر هواپیمائی اسرائیل (ال عال) حمله کردند که منجر به تحت پیگرد قرار گرفتن آن ها و از جمله فردی شد که از دوستان کیومرث و خشایار بود. از آن جا که آن فرد شناخته شده و تحت تعقیب قرار داشت برای مخفی ماندن از چشم پلیس به خانه کیومرث آمده و در آن جا پناه گرفته بود. اما از آن جا که مخفی گاه او لو رفته بود در مهر ماه سال ۱۳۴۹ ساواک برای دستگیری او و کیومرث به خانه آن ها یورش برد. یورش ساواک به خانه سنجرى ها در شرایطی بود که پدر کیومرث به خاطر سکنه قلبی در بستر بیماری به سر می برد. متأسفانه در آن روز حمله، رفیق رضا یثربی هم در خانه آن ها بود. مأموران ساواک بدون توجه به بیماری پدر خانواده با وحشیگری تمام به اهالی خانه و به سه جوانی که در خانه بودند برخورد می کردند و چنان شرایط متشنجی در خانه به وجود آوردند که باعث سکنه مجدد پدر گشتند. در چنین وضعی با اصرار مادر، مأموران از بردن کیومرث با خود منصرف شدند اما هم فرد مبارز مخفی شده و هم رفیق رضا یثربی هر دو بازداشت شدند. متأسفانه در اثر شرایط متشنجی که ساواکی ها در خانه برای پدر بیمار به وجود آورده و باعث سکنه مجدد او شدند، چند روز بعد پدر سنجرى ها زندگی را به درود گفت.

رفیق یثربی در بازجویی در باره علت حضور خود در خانه کیومرث، بر دوستی و همکلاس بودن با کیومرث در دانشکده علم و صنعت تاکید نموده و در طول بازجویی ها روی این حرف باقی مانده و خود را دوست ساده کیومرث معرفی کرده بود (رفیق رضا یثربی چند سال بعد در کنار رفیق حمید اشرف یکی از رهبران سازمان چریکهای فدائی گشت). علیرغم ضربه ساواک به محفل رفقا، از آن جا که کیومرث دستگیر نشد و رفیق یثربی پس از یک هفته، آزاد گردید، عملاً روابط موجود در محفل مبارزاتی رفقا با خطر جدی مواجه نشد.

رویداد رستاخیز سیاهکل و متعاقب آن اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق که شرایط سیاسی جامعه را متحول ساخت در حالی که تأثیر انقلابی خود را بر مبارزات کارگران و توده های تحت ستم به جا گذاشت، باعث شدت گیری مبارزات دانشجویان با رادیکالیسم هر چه بیشتری شد؛ تا آن جا که مبارزات دانشجویی در دفاع از جنبش مسلحانه با رادیکال ترین شعارها، فضای دانشگاه ها را فرا گرفت. در چنین شرایطی مسلم است که دشمن یعنی رژیم شاه در وحشت از جنبش مسلحانه و در هراس از تأثیرات آن در کشاندن توده های مردم به صحنه مبارزه، دیوانه وار به دانشگاه ها یورش برده و دانشجویان مبارز را دستگیر می نمود. در این دوره یکی از اعصاب بزرگ دانشجویی در دانشکده علم و صنعت

ادامه در صفحه ۴



ماجرای اخراج کارگران پالایشگاه پارس جنوبی چه بود؟



روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، رئیس هیئت مدیره کانون انجمن های صنفی کارگران پالایشگاه های گاز استان بوشهر گفت: در پارس جنوبی ۱۲ پالایشگاه وجود دارد که پیش از این، قرارداد کارگران در هر پالایشگاه متفاوت بود. امسال یک قرارداد پرسنلی یکسان که تأییدیه وزارت کار دارد، مورد تأیید مجتمع گاز که بالادست پالایشگاه محسوب می شود، قرار گرفته و به تمام روسای منابع انسانی و مدیران پالایشگاهها ابلاغ شده است. اکثر پالایشگاهها این قرارداد را لحاظ کرده اند اما قراردادی که در پالایشگاه ششم مقابل کارگران گذاشته اند ایراد دارد و کارفرما نیروها را تهدید کرده که اگر قرارداد را امضا نکنند، حقوق فروردین ماه را پرداخت نمی کند، به همین دلیل بیش از ۵۰۰ نفر از نیروها مجبور به امضای قرارداد شدند و حدود ۱۰۰ نفر قرارداد را امضا نکردند. چند روز پیش این نیروها به نشانه ای اعتراض مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند و خواستار پاسخگویی شدند که از بین آن ها حدود ۲۲ نفر اجازه ای ورود به کارخانه پیدا نکردند. روز شنبه ۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، با پیگیری های انجام شده مسئله ۲۲ کارگر حل شد و به کار برگشتند اما کماکان حقوق فرودین ماه برای آن ها واریز نشده است.

اخراج ۱۱۷ کارگر شهرداری سقز با همدستی

شهرداری و استانداری



روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، تعداد ۱۱۷ نفر از کارگران فضای سبز و پاکبانی سقز، با همدستی استانداری کردستان و عوامل شهرداری از کار اخراج شدند. شهرداری سقز، به صورت تعمدی قرارداد این کارگران را موقت و عمدتاً ۸۹ روزه تنظیم کرده بود تا آن ها را بدون پرداخت بیمه و مزایا در فرصتی که مناسب ببیند، از کار اخراج کند .

گرامی داشت روز جهانی کارگر در محوطه‌ی شرکت

نیشکر هفت‌تپه



روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، جمعی از کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، شرکتی که بیش از یک دهه است کارگران آن برای احقاق حقوق خودشان مبارزه می‌کنند و یکی از دو کارخانه‌ای که برای اولین بار در آن ایده‌ی اداره‌ی شورایی و کنترل کارگری از سوی بخش عظیمی از کارگران مطرح شد و با سرکوب و بازداشت‌های جمعی و اخراج کارگران مبارز جلوی آن را گرفتند، در محوطه‌ی این شرکت روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. روی پارچه‌نوشته‌ای که این کارگران در دست دارند نوشته شده بود: روز جهانی کارگر، روز اتحاد، همبستگی و مبارزه‌ی رنجبران جهان برای رهایی از رنج‌ها را ارج می‌نهیم.

برگزاری روز جهانی کارگر توسط انجمن

کارگران ساختمانی کامیاران

روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت برابر با اول ماه مه روز جهانی کارگر، تعدادی از اعضای هیات مدیره انجمن کارگران ساختمانی و رئیس اداره کار و مسئول تشکلات کارگری شهرستان کامیاران و نماینده فنی و حرفه‌ای در سرچهارراه اصلی کامیاران محل تجمع کارگران ساختمانی حضور به عمل آوردند و روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. هیات مدیره و بازرس انجمن روز جهانی کارگر را به حاضرین و تمام کارگران تبریک گفتند. کارگران حاضر در محل تجمع مشکلات بیمه‌ای و معیشتی خود را با هیات مدیره و ادارات مربوطه در میان گذاشتند و از طرف هیات مدیره و مسئولین قول پیگیری و رفع مشکلات کارگران را دادند.

تجمع بانزشتگان چند شهر به مناسبت

روز جهانی کارگر و روز معلم



روز سه شنبه و چهارشنبه ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، علی‌رغم جو شدید سرکوب و اختناق بار دیگر بانزشتگان در تهران و چند شهر دیگر با در دست داشتن پلاکاردهایی به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم به تجمع دست زدند. در کرمانشاه بانزشتگان در مقابل اداره کار و تعاون تجمع کرده و فریاد می‌زدند "فقر، فساد، تورم، بلای جان مردم،" روسری رورهاکن، فکری به حال ماکن!" و ...

در باره زندگی رفیق کیومرث از صفحه ۳

در اردیبهشت ۱۳۵۰ رخ داد که رفیق کیومرث و رفقای همراهش در برپائی آن نقش به سزائی ایفاء نمودند. با آشکار شدن نقش رفقا در این مبارزات، ساواک موفق به دستگیری رفیق خشایار سنجرى شد و رفقا کیومرث سنجرى و رضا یثربى تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند. این دو رفیق که در ارتباط با چریکهای فدائی خلق قرار داشتند برای گریز از دستگیری مجبور به زندگی مخفی شدند.

بنابراین رفیق کیومرث سنجرى از اردیبهشت ۱۳۵۰ به عنوان یک انقلابی حرفه‌ای همه زندگی خود را در راه مبارزه برای رهایی خلق خود قرار داد. او و رفیق یثربى در مسیر این مبارزه قاطع با دشمنان مردم دوره‌های متفاوتی را که گاه با شرایط بسیار سخت و غیر قابل توصیف قطع ارتباط هم توأم بود طی کردند. اولین قطع ارتباط آن‌ها با سازمان خود، یعنی چریکهای فدائی خلق در مرداد ۱۳۵۰ با دستگیری رفیق فریبرز سنجرى که رابط آن‌ها با سازمان بود پیش آمد. اما چه باک که اینک دیگر راه پیش پای آن‌ها بود (در یک شعر از رفیق مرضیه احمدی اسکوئى این طور گفته شده است: " اینک راه پیش پای ماست "). این دو چریک فدائی با از جان گذشتگی بدون لحظه‌ای تردید به مبارزه خود در راستای خط و برنامه چریکهای فدائی خلق که در نوشته‌های رفقا پویان و احمد زاده تدوین شده بود، ادامه دادند و دست اندر کار انجام حرکتی مسلحانه شدند. آن‌ها پس از مخفی شدن، خانه‌ای در میدان فوزیه اجاره کرده و به مخابره پایگاهی فعالیت‌های تدارکاتی خود را در آن جا انجام می‌دادند. در حدود مهر سال ۵۰ انفجاری در پایگاه آن‌ها صورت گرفت و رفقا مجبور به ترک آن پایگاه گشته و در حالی که شدیداً تحت تعقیب سازمان امنیت رژیم شاه قرار داشتند مدتی را در آن شرایط پلیسی بدون داشتن محلی برای سکونت گذراندند. بالاخره با تلاش‌های زیاد، آن‌ها که با بسیاری از مبارزین دوره خود که بعداً یا عضو سازمان چریکهای فدائی خلق و یا سازمان مجاهدین خلق شدند، آشنا بودند توانستند با رفیق اسدالله بشر دوست که در آن زمان در ارتباط با چریکهای فدائی خلق در پایگاهی در اصفهان فعالیت می‌کرد، تماس گرفته و مجدداً به سازمان وصل شوند. رفقا کیومرث سنجرى و رضا یثربى در این رابطه به اصفهان منتقل شدند و تا سال ۱۳۵۱ در درون سازمان در این شهر فعالیت کردند. اما با دستگیری رفیق اسدالله بشر دوست که با حفظ اسرار سازمان در دل، زیر شکنجه‌های وحشیانه ساواک جان سپرد، ارتباط این دو رفیق مجدداً با سازمان قطع شد که پس از مدتی، با تلاش‌های مجددشان توانستند دوباره به سازمان وصل شوند.

متأسفانه از همه فعالیت‌های رفیق کیومرث سنجرى در سازمان چریکهای فدائی خلق اطلاعات کافی در دست نیست. اما این امر روشن است که وی در سال ۱۳۵۳ به مشهد منتقل شد و در پایگاهی با حضور رفقا حمید مؤمنی و صبا بیژن زاده فعالیت انقلابی خود را دنبال نمود. در دوره‌ی ای نیز (حدود اوایل تابستان ۱۳۵۳)، او به مدت کوتاهی در پایگاه مشهد با رفیق اشرف دهقانی که رفیق علی اکبر (فریدون) جعفری به عنوان مسئول شاخه مشهد به آن جا رفت و آمد می‌کرد، حضور داشت. از جمله کارهای او در مشهد کمک به انتشار نبرد خلق، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق و دیگر نشریات سازمان بود. در همین دوره بود که او همراه با رفیق جعفری موفق به طرح ریزی آرم جدیدی برای سازمان که دست با مسلسل در بالای نقشه ایران قرار دارد، شد. در آن سال‌ها سازمان جهت خودکفائی در نیازهای تسلیحاتی خود انرژی زیادی صرف تهیه مواد منفجره برای ساختن نارنجک می‌کرد که اسید پیکریک ماده اصلی آن بود. پس از ضرباتی که در نیمه اول سال ۱۳۵۳ به سازمان وارد شد و امکانات تهیه اسید پیکریک از بین رفت، مسئولیت ساختن این ماده منفجره به رفیق کیومرث محول گردید که وی با همان تمهید انقلابی که همواره برای انجام مسئولیت‌های سازمانی‌اش از خود نشان می‌داد، به انجام این کار پرداخت. اما کار مداوم با این ماده شیمیائی باعث شد که او دچار مشکل تنفسی گردد.

تا جایی که اطلاعات کنونی نشان می‌دهند، رفیق کیومرث پس از مدت‌ها فعالیت در مشهد به تهران منتقل گشته و به اتفاق رفقا حسن سعادتى، حمید اکرامى، افسرالسادات حسینی و ابولحسن شایگان پایگاهی را در خیابان ملک سمنگان شکل داده‌اند. در این پایگاه یکی از وظایف وی انتشار نبرد خلق و در عین حال آموزش تجربیات تکنیکی به رفقای دیگر بوده است. در جریان ضربات اردیبهشت سال ۵۵ که نبرد خلق شماره ۷ که آماده توزیع بود به دست ساواک افتاد، رفیق کیومرث و رفقای نظیر او در سازمان

ادامه در صفحه ۵

ساواک افتاد، رفیق کیومرث و رفقای نظیر او در سازمان

بستن جاده توسط کارگران در اهواز



روز دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، کارگران محلی پروژه‌ی حفاری "بی‌بی حکیمه" اهواز، در اعتراض به عدم دریافت حقوق اقدام به بستن جاده کردند.

کارگران نگهداری راه آهن زاهدان قرارداد سه ماهه دارند

و مشقات ناشی از سختی کار!

روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، کارگران پیمانکاری نگهداری راه آهن زاهدان که مدت‌هاست برای انعقاد قرارداد مستقیم با راه آهن مطالبه‌گری می‌کنند، اطلاع دادند که از اول سال قرارداد سه ماهه با کارگران منعقد کرده‌اند در حالی که کارشان دائمی و مستمر است. کارگران می‌گویند در حال حاضر تنها نصف حقوق فروردین به حسابشان واریز شده است. آن‌ها طرف قرارداد شرکت تراورس هستند اما انتظار دارند با خود شرکت راه آهن قرارداد ببندند. کارگران ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار دارند و هنگامی که بخواهند بازنشسته شوند بایستی ۴ درصد سختی کار را از جیب خود بپردازند.

پاسخ شهردار فردیس کرج به اعتراض کارگرانی که سه ماه

است حقوق خود را نگرفته‌اند

روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، در اعتراض کارگران به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق خود، شهردار فردیس کرج با توهین به کارگران گفت: "یک ساعته تسویه حساب می‌کنم. همه شما تسویه حساب، نیرو تو شهر زیاده، دست مرا بوسیدی که اومدی". این یک نمونه از بی‌رحمی و خیانت و برخورد تحقیرآمیز صاحبان کار با کارگران ایران است. نبرد قاطع و بی‌رحمانه با این انگل‌ها که معاش و هستی‌شان از دست‌رنج کارگران تامین می‌شود و مبارزه برای نابودی سیستم سرمایه‌داری‌شان تنها راه نجات کارگران زحمت‌کش و شریف است.

تجمع اعتراضی زنان و اهالی روستای علی‌آباد سیور در

سمیرم اصفهان

روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، زنان و اهالی روستای علی‌آباد سیور در سمیرم اصفهان در اعتراض به سدسازی بر رودخانه ماربر در حوضه کارون در پادنا، تجمع کردند که با صف‌آرایی یگان‌های ویژه و درگیری روبرو شد.

زنان معترض و دلیر این خطه در مقابله با نیروهای مزدور رژیم با صدای رسای اعتراضی خود در مقابل مزدوری که می‌گفت مادر من خواهشا برو عقب تر و یک خطی را برای خودتان مشخص کنید و جلوتر نیایید می‌گفتند: تا ندیدم از اینجا دور شوید. روستای خودمان است. بیابن برین تا فیلم بگیرم، از اینجا دور شید. مردمی که به خوبی می‌دانند در برابر غارتگران خاک و آبشان باید مقاومت کنند. می‌دانند حراست از منابع طبیعی بومی یعنی چه. غارتگران حاکم تصمیم گرفته‌اند آب رودخانه‌ی ماربر را به ذوب آهن اصفهان منتقل کنند و این برای مردم منطقه به معنی نابودی محیط زیست و در عین حال اجبار به پرداخت پول برای استفاده از آبی است که متعلق به آنهاست.

در باره زندگی رفیق کیومرث از صفحه ۴

که در طی سال‌ها مبارزه بی‌امان با دشمنان مردم به فولاد آبدیده تبدیل شده بودند، برای نشان دادن قدرت سازمان اقدام به انتشار دوباره نبرد خلق در مدت بسیار کوتاهی کردند و با این کار کوشیدند تبلیغات دشمن که سعی می‌کرد از ضربه به سازمان در جهت تضعیف روحیه مبارزاتی توده‌ها استفاده کند را خنثی نمایند. در آن زمان، پخش نبرد خلق شماره ۷ در جامعه که واقعیت فوق‌نیز در آن منعکس شده بود یک جنگ روانی به دشمن تحمیل کرد.

همانطور که می‌دانیم در سال ۱۳۵۵ ضربات شدیدی از طرف ساواک به سازمان چریکهای فدائی خلق وارد شد و تنها تعداد محدودی از رفقای با سابقه، زنده ماندند که رفیق کیومرث نیز جزء آن‌ها بود. از این زمان به بعد وی به همراه رفقا صبا بیژن زاده، بهنام امیری دوان و حسن فرجودی با تحمل رنج و زحمت فراوان و با درایت انقلابی، بیشترین تلاش را در احیاء سازمان و تداوم کار آن به خرج داد و رفقای باقیمانده را از زیر ضرب پلیس خارج کرد. در سازماندهی پس از ضربات سال ۵۵، رفیق کیومرث مسئولیت شاخه مشهد را که از ضربات سال ۱۳۵۵ مصون مانده بود به عهده گرفت.

حاصل تلاش‌های مبارزاتی رفیق کیومرث سنجری و همه رفقای سازمانی او که با رنج و زحمت بسیار زیاد ناشی از شرایط مخفی مبارزه و همچنین با جنگ و گریز مداوم با دشمن توأم بود و به واقع حاصل تلاش‌ها و مبارزات فداکارانه و قهرمانانه چریک‌های فدائی خلق و همه انقلابیون مسلح در سال‌های پر بار دهه پنجاه، تقویت روحیه مبارزاتی کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های تحت ستم ایران و کشیده شدن تدریجی آنان به سوی مبارزه بود. این واقعیتی بود که در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ با خیزش مردم قهرمان تبریز با برجستگی خود را نمودار ساخت. سپس جنبش توده‌ای رو به رشد نهاد و توده‌های مبارز، انقلابی را در سراسر ایران بر پا نمودند که اوج آن قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن بود. اما دریغ که در این زمان رفیق کیومرث دیگر زنده نبود تا ببیند که او با صمیمیت کمونیستی و یکدلی‌اش با توده‌های دربند ایران، با عزم آهنین‌اش در مبارزه علیه دشمنان مردم و با فداکاری‌ها و از جان گذشتگی‌های بی‌دریغ و قبول مسئولیت‌های دشوار و خطرناک در سازمان چریکهای فدائی خلق، به سهم خود چه تاریخی را در جامعه ایران رقم زده و در پیشرفت مبارزه طبقاتی علیه امپریالیسم و سرمایه داران داخلی در راه رسیدن به سوسیالیسم چه نقش گرانقدری ایفاء کرده است!

جریان جان باختن رفیق کیومرث به این صورت بود که در تاریخ ۹ بهمن سال ۱۳۵۵ وی برای تماس با برخی از رفقای سازمان طبق معمول به تلفنخانه مشهد می‌رود ولی در آن روز نیروهای انتظامی رژیم شاه جهت تمرین آمادگی برای سرکوب مبارزات مردم اقدام به مانوری نظامی کرده بودند و محیط شدیداً پلیسی بود. در نتیجه او در آن روز مورد شناسایی و تعقیب نیروهای دشمن قرار می‌گیرد و پس از آن که می‌بیند امکان فرار وجود ندارد به درگیری مسلحانه با آن‌ها پرداخته و سپس با خوردن سیانور که مثل هر چریک فدائی خلق دیگر برای محروم کردن ساواک از دستگیری و دست یافتن به اطلاعاتش همیشه زیر زبان داشت، به زندگی سراسر مبارزاتی خود پایان داده و به شهادت می‌رسد. به این ترتیب رفیقی که در اردیبهشت سال ۱۳۵۰ زندگی مخفی برگزیده و بطور حرفه‌ای به جنبش مسلحانه کارگران پیوسته بود، رفیقی که یکی از طولانی‌ترین زندگی‌های مخفی در زیر سلطه جهنمی دژخیمان رژیم شاه یعنی نزدیک به ۶ سال را از سر گذرانده بود، در ۹ بهمن سال ۱۳۵۵ جان در راه آرمانهای انقلابی خود نهاد. این چریک فدائی خلق، انقلابی کمونیستی که تجربه سال‌ها مبارزه با پلیس سیاسی را با خود حمل می‌کرد، رفیقی که با فعالیت‌های مبارزاتی‌اش از نوجوانی و بعد در طی سالها فعالیت انقلابی در درون سازمان چریکهای فدائی خلق به واقع تجسم بخشی از تاریخ مبارزاتی مردم ایران بود، اینک در تاریخ مبارزات خونین زحمت‌کشان و ستمدیدگان ما جاودانه گشته است.

این را مردم مبارز ایران به خوبی می‌دانند که انقلاب ایران با فداکاری‌ها و جانفشانی‌های چنین رفقائی بود که قادر شد سرانجام رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را به زباله دان تاریخ بریزد. باشد که نمونه زندگی پر بار مبارزاتی رفیق کیومرث سنجری همچنان پرفرغ در خدمت پیشروی مبارزات کارگران و ستمدیدگان تا رسیدن به دنیائی عاری از ظلم و استثمار قرار گیرد.

یاد رفیق کیومرث سنجری گرامی و راهش پر رهرو باد!

تجمع بازنشستگان کارگری با مطالبه حقوق عادلانه



روز یکشنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان کارگری در شهرهایی مانند تهران و اراک، مقابل ادارات تامین اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند. خواسته اصلی این بازنشستگان، اجرای ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی و افزایش مستمری‌ها مطابق تورم و هزینه‌های زندگی است؛ آن‌ها می‌گویند درصدهای مصوب شورایی کار، نباید برای افزایش مستمری بازنشستگان اعمال شود.

تجمع کارگران گروه ملی فولاد اهواز مقابل مجلس

صبح روز یکشنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، جمعی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز، در اعتراض به حکم اخراج خود مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. کارگران گروه ملی فولاد اهواز ماه‌هاست که به دنبال مطالبات خود و اجرای درست طرح طبقه‌بندی مشاغل هستند و تاکنون برای احقاق حقوق خود تجمعاتی برگزار کرده‌اند. در پی اعتراضات انجام شده جمعی از کارگران اخراج شده‌اند.

از "نه، به حجاب" تا درخواست مستمری بازنشستگان اراک

روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، در تجمع اعتراضی بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی اراک، آنان با دست گذاشتن بر ستم علیه زنان به میانجی حجاب اجباری، حکومت را به دست برداشتن از این ستم و توجه به مسائل طبقاتی‌شان دعوت کردند. آنچه امروز در مبارزات بازنشستگان تامین اجتماعی شاهدیم، تلاش بی‌نظیری است برای پیوند زدن ستم طبقاتی به ستم جنسی/جنسیتی در قالب یک سیاست‌ورزی کارگری تمام عیار. آنان شعار می‌دهند: روسری رو رها کن! فکری به حال ما کن!

کولبری نه شغل است و نه شریف مردم از ناچاری بار بر دوش می‌گیرند!

به گزارش روز جمعه ۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، در روزهای آغازین سال جدید، چندین کولبر مریوانی، جان خود را از دست دادند. بالا رفتن آمار مرگ و میر کولبران به گفته یک فعال صنفی کارگران مریوان، باید یک زنگ خطر جدی تلقی

شود. همانگونه که همگان می‌دانیم و رسانه‌ها با اقتدار بسیار اعلام می‌کنند، بعد از نفت، مرز باشماخ مریوان بیشترین میزان درآمد را برای ایران و خزانه بیت‌المال دارد اما باید پرسید سوده‌های هزاران میلیاردی روزانه‌ی مرز باشماخ کجا و به جیب چه کسانی می‌رود؟ آیا حاصل این همه تجارت در مرز باشماخ، به غیر از ارابه‌های مرگ، خطرآفرینی جاده‌های کردستان و مرگ روزانه کولبران چیز دیگری هم بوده است؟! این تجارت عظیم، سودی برای مردم نداشته است حتی رانندگان ترانزیت، قربانیان سیستم سرمایه‌داری و استثمار صاحبان ترانزیت‌ها هستند. اگر مدیران محلی دلسوز بودند، با اختصاص فقط یک درصد از درآمد باشماخ می‌توانستند صدها شغل ایجاد کنند، مریوان را با داشتن پتانسل فوق العاده گردشگری قطب گردشگری ایران کنند و به تبع آن هزاران شغل ایجاد شود تا هیچکس محتاج کولبری نشود. سیاست‌های فقیرسازی دولت‌های پیاپی، گروه زیادی از جوانان و تحصیلکردگان و حتی ورزشکاران را مجبور به کولبری کرده است.

بخش‌های اداری و مالی گروه ملی فولاد پلمب شد



به گزارش روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، بدنبال اعتراضات گسترده کارگران گروه ملی فولاد اهواز در مقاطع مختلف که ریشه در مسایل صنفی و معیشتی این کارگران داشته، بانک ملی به عنوان سهامدار اصلی گروه ملی فولاد اهواز، مدیرعامل گروه را تغییر داد و دفاتر اداری مالی و حسابداری کارخانه را به دلیل وجود شائبه فساد و بررسی اسناد، پلمپ کرد. کارگران گروه ملی فولاد از دو سال قبل مسئله وجود فساد در مجموعه را مطرح کرده بودند و اتفاق اخیر تایید حقانیت تلاش کارگران برای حفظ شرکت است.

اعتراض پرستاران شیراز نسبت به اضافه‌کار اجباری

روز شنبه یکم اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، پرستاران در بیمارستان‌های شهرهای مختلف، نسبت به اضافه‌کار اجباری اعتراض کرده‌اند. این پرستاران می‌گویند: دیگر حاضر نیستیم به اضافه‌کار اجباری که بیکاری صرف است، تن بدهیم. حق‌الزحمه اضافه کار اجباری پرستاران بسیار ناچیز و رقمی بین ۱۶ تا ۲۰ هزار تومان برای هر ساعت کار است.

تجمع بازنشستگان کارگری در چند شهر



روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان کارگری در شهرهایی مانند اراک و شوش، به مشخص نشدن افزایش مستمری سال جدید تجمع اعتراض کردند. بازنشستگان می‌گویند: خواسته ما افزایش قانونی مستمری‌ها براساس ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی است و انتظار داریم مدیرعامل سازمان به سرعت افزایش قانونی مستمری‌ها را برای اجرا شدن در اردیبهشت ماه ابلاغ کند.

ضرب و شتم سوختبران زحمتکش بلوچ توسط نیروهای مرزبانی میرجاوه

به گزارش روز سه شنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ به نقل از کمپین فعالین بلوچ، روز دوشنبه ۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، نیروهای مرزبانی یک سوختبر و یک راننده بلوچ خودرو که در حال جابجایی بار گمرکی بوده، آنها را به داخل یک اتاق منتقل کرده و مورد ضرب و شتم قرار دادند و پس از ساعت‌ها آنها را رها کردند. بر اساس این گزارش، پیشتر نیز نیروهای نظامی سوختبران مرز میرجاوه را مورد ضرب و جرح و فحاشی قرار داده بودند. بخشی از اهالی بلوچستان بدلیل نبود شغل مناسب و پایدار اجباراً به آن روی آورده‌اند. تصادف، واژگونی خودرو و تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی و امنیتی، بخشی از خطراتی هستند که در این راه جان سوختبران را تهدید می‌کند. با استناد به گزارش فعالین بلوچ در سال ۲۰۲۳ میلادی دستکم ۱۷۲ سوختبر بلوچ با تیراندازی نیروهای نظامی، تصادفات رانندگی و آتش گرفتن خودرو جان خود را از دست داده و ۴۲ تن دیگر نیز طی این حوادث زخمی که از این آمار ۱۱ تن کودک بودند.

درخواست کارگران شهرداری یاسوج برای وصول مطالبات معوقه

روز سه شنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، کارگران شهرداری یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد که بین ۵ تا ۸ ماه معوقات مزدی طلبکارند دست به اعتراض زدند. جدا از حقوق، از قرار معلوم کارفرما تعهدی درخصوص پرداخت ۴ درصد حق بیمه اضافی کارگران را به عهده نمی‌گیرد. شهرداری یاسوج در گفتگو با سایر رسانه‌ها گفته است که: تصمیم گیری در ارتباط با پرداخت هزینه سستی کار کارگران خدماتی شهرداری باید از سوی تامین اجتماعی پیمانکاران مربوطه صورت بگیرد.

اعتصاب رانندگان کامیون در راسک



روز پنجشنبه ۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، شماری از رانندگان کامیون در راسک، در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت و دیگر مطالباتشان در مقابل کارخانه سیمان جکیگور از توابع بخش مرکزی راسک، دست به اعتصاب زدند. گفته می‌شود که کرایه بار این کامیون داران به دلیل قطع سهمیه سوخت از سوی شرکت نفت برای آنها بسیار پایین است و آنها قادر به فراهم کردن مایحتاج و هزینه‌های خود و خودروهایشان نیستند.

جان باختن یک کارگر کارگاه بر اثر

برق گرفتگی

روز یکشنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، حادثه برق گرفتگی در یک کارگاه تولید در شهرک صنعتی اهر در استان آذربایجان شرقی، منجر به جان باختن یک کارگر شد.

جان باختن و زخمی شدن ۲ کارگر حین

کار در اثر ریزش دیوار

شامگاه روز یکشنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، بخشی از دیوار یک محل گودبرداری شده در خیابان قزوین، خیابان سبحانی تهران فرو ریخت و موجب جان باختن یک کارگر ۲۵ ساله و مصدومیت کارگری ۵۰ ساله شد.

تاکید کارگران ابنیه فنی شمال دو بر

پرداخت مطالباتشان

روز جمعه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، یکی از کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن ناحیه شمال گفت: کارگران ابنیه فنی راه آهن ناحیه شمال دو که در محور ریلی رشت، قزوین، ایبک، زیاران، کوهین، کوهنند مشغول کارند، اولین روز اعتراض خود را در سال جاری از صبح روز شنبه ۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، به دلیل بی‌توجهی شرکت پیمانکار نسبت به وصول مطالباتشان آغاز کرده‌اند که در برخی خطوط ادامه دارد. کارگران ابنیه فنی راه آهن ناحیه شمال خواهان تغییر پیمانکار، پرداخت به موقع مطالبات مزدی خود به همراه مزایای اضافه کاری و تعطیل کاری و اصلاح برخی مفاد قرارداد کارشان هستند. کارگران راه آهن شمال دو می‌گویند مزایای عرفی، رفاهی و مناسبتی آن‌ها در اعیاد شعبانیه، ۲۲ بهمن، ماه رمضان، نوروز ۱۴۰۲ و مناسبت عید سعید فطر

۱۴۰۳ که باید پرداخت می‌شده اما نشده و بایستی به حساب کارگران واریز شود.

شهرداری دهدشت توان پرداخت حقوق به

کارگران را ندارد

روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، شهردار دهدشت گفت: شهرداری تهران با شرکت نفت، گاز و پتروشیمی برابری می‌کند اما متأسفانه شهرداری دهدشت توانایی پرداخت حقوق و مزایا و کوچکترین خدمات رفاهی به پرسنل خود را ندارد.

تجمع کارگران شهرداری رودبار در

اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود



روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، کارگری در شهرداری رودبار گفت: خواسته اصلی کارگران شهرداری رودبار که دو تا سه روز پیش به خاطر آن اقدام به تجمع اعتراضی کردند، پرداخت ۴ ماه حقوق سال ۱۴۰۰، اضافه کاری و ارائه لباس و کفش مناسب و سایر مزایای شغلی است. از حداقل‌های مزدی برخورداریم حال آنکه همان حداقل حقوق هم از بهمن ماه سال گذشته بدون محاسبه اضافه کاری پرداخت می‌شود. پیمانکار حاضر به پرداخت طلب کارگران نیست. او از دستگاه‌های نظارتی خواست پرونده تخلفات شهرداری را بررسی کنند، تا با تمام کسانی که با از بین بردن حق کارگران در تخلفات مالی شهرداری رودبار دست داشته‌اند، برخورد قانونی شود.

اخراج ۲ کارگر کمباین سازی تبریز در

نخستین روز کاری

روز شنبه ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۳، کارگری در تبریز گفت: دو نفر از کارگران قراردادی شرکت توسعه صنعت آذربایجان یا کمباین‌سازی سپند تبریز با سابقه کاری ۲۲ سال و ۲۰ سال، از صبح روز دوشنبه ۶ فروردین ماه ۱۴۰۳، به دلیل عدم نیاز تاکنون اجازه حضور در محل کار خود را نداشته‌اند. اخیراً کارفرمای بخش خصوصی واحد کمباین‌سازی را به یک بخش خصوصی دیگر واگذار کرده است. در کمباین‌سازی تبریز حدود ۲۰ کارگر قراردادی باقی مانده‌اند که کارگران آن جدا از ۵ ماه مزد معوقه، مشکلات و مطالبات صنفی دیگری همانند پرداخت نشدن عیدی و پاداش پایان سال هم دارند. این کارخانه در گذشته حدود ۸۰۰ نیروی کار

فعال داشته است که بعد از واگذاری به مرور تعداد کارگران تقلیل یافته است. ما خواهان بازگشت به کار آن‌ها هستیم.

کارگران پیمانکاری پتروشیمی چوار

همچنان در انتظار مزد عادلانه

روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، یکی از کارگران پیمانکاری پتروشیمی چوار ایلام گفت: ما کارگران پیمانکاری‌ها با در نظر گرفتن سنوات و اضافه کار به زحمت ۱۸ میلیون تومان می‌گیریم اما کارگرانی که با خود شرکت قرارداد دارند حقوق ماهانه‌شان ۳۰ میلیون تومان است. سال ۱۴۰۲ چند خودکشی در پتروشیمی چوار ایلام خبرساز شد. پس از آن، مدیران این واحد قول دادند که وضعیت حقوق و مزایای کارگران بهبود می‌یابد اما با گذشت چند ماه حتی طرح طبقه‌بندی هم اجرا نشده است.

اعتصاب و تجمع کارگران سیمان لردگان

روز دوشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۴۰۳، تعدادی از کارگران کارخانه خاورسیمان پاریسان واقع در شهرستان لردگان خواستار پرداخت معوقات مزدی سال گذشته و عیدی، افزایش حقوق با پرداخت اضافه کار، پاداش و سایر مزایای شغلی از جمله حق مرخصی شدند. این کارگران همچنین خواستار تامین امنیت شغلی خود هستند و از اداره کار درخواست دارند به مسئله مشکلات آن‌ها ورود کند.

تجمع بازنشستگان فولاد در چند استان

صبح روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان فولاد، همزمان در تهران، اصفهان، اهواز، مازندران و شاهرود در اعتراض به عدم توجه مسئولان به اصلاح همسان‌سازی حقوق مقابل دفتر مرکزی این صندوق تجمع کردند.

گرفتاری کارگران آرتا موکت ناکستان

برای بازنشستگی پیش از موعد

به گزارش روز جمعه ۲۴ فروردین ماه ۱۴۰۳، جمعی از کارگران کارخانه آرتا موکت ناکستان می‌گویند: اخیراً تعدادی از همکاران که برای بازنشستگی پیش از موعد اقدام کرده‌اند در پرونده‌های بیمه‌ای آن‌ها ردیف شغلی غیر از مشاغل سخت و زیان‌آور ثبت شده، و تامین اجتماعی با بازنشستگی پیش از موعد آن‌ها موافقت نمی‌کند. بر اساس مقررات کار و تامین اجتماعی، کارگران شاغل در مشاغل سخت و زیان‌آور به شرط تایید شدن سوابق بیمه‌ای خود در سازمان تامین اجتماعی می‌توانند پس از ۲۰ سال کار متوالی یا ۲۵ سال کار متناوب به صورت پیش از موعد بازنشسته شوند. این امر سبب می‌شود تا کارگری که به دلیل داشتن کار سخت و زیان‌آور دیگر توان جسمی و روحی بودن در محیط کار ندارد، به دلیل مخدوش بودن سابقه بیمه‌ای نتواند از مزایای بازنشستگی پیش از موعد برخوردار شود.

اعتراض کارگران راه آهن زاهدان



روز دوشنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۴۰۳، کارگران پیمانکاری راه آهن جنوب شرق که با شرکت تراورس قرارداد دارند، به قراردادهای کوتاه مدت، فقدان امنیت شغلی، شرایط سخت کار و حقوق های بسیار پایین خود اعتراض کردند. یکی از این کارگران گفت: حقوق ها معمولاً سروقت پرداخت نمی شود و در ارسال لیست های بیمه تاخیر اتفاق می افتد در نتیجه در بسیاری از مواقع دفترچه های بیمه کارگران اعتبار ندارد و باید هزینه های درمان را از جیب بپردازند. با ۱۵ سال سابقه کار و داشتن ۵ فرزند، سال قبل فقط ۱۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان حقوق گرفتیم. کار نگهداری و تعمیر ریل در طوفان شن، کار ساده ای نیست؛ آیا این حقوق عادلانه است؟!

کارگران ابنیه فنی شمال غرب هنوز حقوق اسفند و فروردین را نگرفته اند

روز پنجشنبه ۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، تعدادی از کارگران ابنیه فنی شمال غرب گفتند: بعد از گذشت ۳۵ روز از آغاز سال هنوز نه حقوق اسفند و فروردین را دریافت کرده ایم و نه مزایای مناسبتی و عرفی را که مسئولان وعده پرداخت آن را به کارگران داده بودند. ما کارگران برای تامین هزینه های زندگی کار می کنیم و چنانچه یک ماه حقوق به ما داده نشود، تمام بخش های زندگی مان لنگ می زند. از مدیریت راه آهن می خواهیم، به روند کار و پرداخت حقوق کارگران شاغل در آن رسیدگی کند.

جان باختن یک کارگر در اثر سقوط

دستگاه حین کار روی سرش

روز سه شنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، یک کارگر کارخانه کارت سازی واقع در منطقه علی آباد شهرک فرهنگیان همدان، در اثر سقوط دستگاه روی سرش جان خود را از دست داد.

عدم تمدید قرارداد برخی کارگران گروه ملی فولاد

روز شنبه ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۳، براساس گزارش منابع کارگری، مدیران مجموعه گروه ملی با عدم تمدید قرارداد ۱۵ نفر از کارگران عملاً موجبات اخراج این کارگران را فراهم آورده است. تعداد چهار نفر از این کارگران با اجتماع

و چادرزنی مقابل درب مجموعه شرکت به این برخورد اعتراض کردند که با برخورد حراست مجموعه مجبور به جمع کردن چادرهای خود شدند.

مستمری ها بر اساس ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی افزایش یابد

روز شنبه ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان شوش و اهواز، به کانون بازنشستگان تامین اجتماعی خوزستان مراجعه کردند و خواستار اجرای ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی شدند. بازنشستگان در نشست با مدیران کانون استان، اعلام کردند که افزایش مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی باید بیشتر از افزایش دستمزد مصوب شورایی کار برای کارگران شاغل باشد.

اخراج کارگران پالایشگاه ستاره سبز

سیراف از محل کار خود

به گزارش روز جمعه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ انصاف نیوز، به دستور هلدینگ پارسین برای تعدیل نیرو، در جلسه هیئت مدیره این شرکت، تصمیم گرفته شده تا همه پرسنل شرکت به جز چند مدیر تعدیل شوند. این شرکت پالایشی که دارنده سهام یکی از پالایشگاه های سیراف است، تحت نظر هلدینگ پارسین اداره می شود که گویا ناسامانی در این هلدینگ، موجب پایان پروژه پالایشی سیراف شده است.

بیکاری ۸۰ کارگر کشتارگاه آمل

به گزارش روز یکشنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، کشتارگاه دام آمل از واحدهای زیر مجموعه شهرداری به دلیل تخلفات بهداشتی تعطیل شد و ۸۰ کارگر به صورت مستقیم و ۲۰۰ نفر به صورت غیرمستقیم موقتاً بیکار شدند. این کشتارگاه دام بزرگ نیاز به بهسازی و نوسازی وضعیت محیط کشتارگاه و سرویس فاضلاب دارد. کارگران از مسئولان می خواهند که درخصوص رفع مشکلات این واحد تولیدی اقدام عاجل کنند.

کارگران پلی اکریل ایران نگران از دست

دادن شغل شان

به گزارش روز شنبه یکم اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، یکی از کارگران پلی اکریل ایران گفت: تعدیل بهای خوراک دریافتی تولیدکنندگان در صنعت نساجی و افزایش قیمت پایه محصولات پتروشیمی در شهریور ماه که منجر به افزایش سی درصدی قیمت ماده اولیه تولید پلی استر کارخانه پلی اکریل (پارازایلین) شد، باعث ناترازی قیمت پارازایلین و چپیس و عدم امکان رقابت در بازار و به تبع آن بالا رفتن بهای تمام شده محصولات پلی اکریل شده و نقدینگی شرکت را به شدت تحت تاثیر قرار داده و کارخانه در آستانه تعطیلی قرار گرفته است که در آن صورت

بیکاری حدود ۲۰۰۰ کارگر پلی اکریل را به همراه خواهد داشت.

پیدا شدن اجساد ۳ کارگر از ۴ مفقود شده راه آهن در سیلاب کارواندر

روز سه شنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۳، در سیستان و بلوچستان پیکر بیجان ۳ نفر از ۴ کارگر راه آهن که در سیلاب منطقه کارواندر شهرستان خاش با لودر قصد بازگشایی مسیر را داشتند و در رودخانه «دامن» دچار حادثه سیلاب شدند، پیدا شد. تلاش برای پیدا کردن نفر چهارم از سوی امدادگران و مردم محلی همچنان ادامه دارد.

اخراج اعضا هیات مدیره انجمن صنفی

کارگری توسط مخابرات گیلان

به گزارش روز شنبه ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۳، اعضای انجمن صنفی مخابرات گیلان ممنوع ورود شده اند! آنطور که نیروهای مخابرات می گویند، طی ۳ سالی که از عمر انجمن صنفی می گذرد، مطالبات بسیاری از سوی این انجمن پیگیری شده و حدود ۴۰۰ شکایت مطرح و یکی از شرکتهای پیمانکار بالغ بر ۲۹ میلیارد تومان محکوم شده است. با این اوصاف واضح است که چرا مخابرات نمی خواهد اعضای انجمن صنفی روی کار بمانند. این اقدام مخابرات در واقع هشدار دادن به کارگران دیگر است که نتیجه پیگیری حقوقشان چیزی جز اخراج از کار نیست! این اتفاقات در حالی می افتد که به گفته اعضای انجمن، قرار بود در هفته های آتی انتخابات جدید انجمن صنفی برگزار شود. به گفته نیروهای مخابرات، ممانعت از تمدید اعتبار انجمن صنفی مخابرات گیلان، مهم ترین هدف مخابرات برای اخراج این نیروهای با سابقه است، چراکه با این اقدام، نه اعضای اخراج شده می توانند در انتخابات شرکت کنند و نه دیگر نیرویی جرأت کاندید شدن در انتخابات انجمن صنفی را دارد.

کارگران بهنوش و خواست تغییر شرایط

به گزارش روز شنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۳، حدود ۲ هزار نفر از کارگران شرکت نوشیدنی بهنوش در استان تهران، پیمانکاری و فاقد امنیت شغلی هستند. به گفته این کارگران، حقوق کارگران شرکتی بسیار پایین است، سختی کار برای کارگران رد نمی شود، در لیست های بیمه کارگر ساده هستند و از طرح طبقه بندی مشاغل محرومند. یکی از این کارگران گفت: چون پیمانکاری هستیم، از عدالت مزدی محرومیم و حقوق کارگر ساده را می گیریم، سختی کار هم به ما تعلق نمی گیرد. به تازگی، شکل جدیدی از قراردادها به نام «قراردادهای حجمی» در مجموعه رواج یافته است. کارگران حجمی به مراتب وضعیت بدتری نسبت به کارگران پیمانکاری دارند و روزی ۱۲ ساعت کار می کنند اما حقوق پایه را می گیرند. شب کاری و اضافه کاری به آن ها تعلق نمی گیرد.

تجمع کارگران کاغذسازی پارس و طبیعت سلولز در اعتراض به اخراج همکارانشان



صبح روز یکشنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، کارگران کارخانه کاغذسازی پارس و طبیعت سلولز در مقابل ساختمان فرمانداری شوش تجمع کردند. یکی از معترضین گفت: در مجموع این کارخانه بیش از ۴۰۰ کارگر دارد که حدود ۲۳۰ نفر در کارخانه کاغذسازی مشغول کارند. افراد حاضر در تجمع امروز از کارگران شیفت صبح کارخانه کاغذسازی پارس و طبیعت سلولز هستند که به حمایت از ۱۰۰ کارگر اخراجی دست از کار کشیده و خواستار بازگشت به کار همکارانشان شده‌اند. در ادامه این تجمع اعتراضی روز سه شنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، بار دیگر کارگران کاغذ پارس طبیعت سلولز در اعتراض به اخراج ۱۰۰ نفر از همکاران خود و بلا تکلیفی شغلی مقابل ساختمان فرمانداری شوش تجمع کردند. یکی از این کارگران گفت: قرار است امروز جلسه‌ای در خصوص وضعیت کارگران اخراجی و مشکلات ایجاد شده برای کارخانه کاغذسازی پارس طبیعت سلولز با حضور مسئولانی از فرمانداری و اداره کار برگزار شود و ما منتظر تصمیمات جلسه امروز هستیم. جدا از بلا تکلیفی کارگران اخراجی، سایر کارگران با متوقف شدن برخی خطوط تولید نگران از دست دادن شغل خود هستند.

کارگران کاغذ پارس در پی بی نتیجه ماندن جلسه بررسی مشکلات خود و به دلیل اجرا نشدن تبدیل وضعیت استخدامی خود از پیمانکاری به قراردادی و تامین نشدن امنیت شغلی خود با متوقف شدن برخی خطوط تولیدی کارخانه، روز چهارشنبه ۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، بار دیگر دست از کار کشیده و مقابل ساختمان فرمانداری شوش به همراه همکاران خود در واحد طبیعت سلولز تجمع اعتراضی برپا کردند.

تجمع بازنشستگان فولاد در تهران و اصفهان و قائمشهر

روز یکشنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در تهران، اصفهان و قائمشهر با حضور در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی محل سکونت خود، خواستار اجرای طرح تکمیلی همسان سازی، دریافت مطالبات معوقه، تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین نامه فولاد و اجرای آیین نامه و قوانین خاص فولادی و احیای جایگاه آن در سال جدید هستند.

ضرب و شتم کارگر هوراند پلاستیک در کارخانه



روز سه شنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۴۰۳، یک کارگر کارخانه هوراند پلاستیک واقع در شهرستان کلیبر به همراه ۹ نفر از همکارانش پیگیری وضعیت شغلی خود از مدیر کارخانه می شوند اما مدیر کارخانه و عوامل وی در شرکت با کارگر مربوطه درگیر شده که در نهایت به ضرب و شتم او می انجامد. کارگر مصدوم در این درگیری هم اکنون به پزشکی قانونی مراجعه کرده و قصد دارد در دادسرای عمومی شکایت خود را مطرح کند. ظاهراً کارگران در اسفند ماه سال ۱۴۰۲، با مراجعه به اداره کار شهرستان کلیبر از مدیر شرکت به دلیل رفتار غیر انسانی و غیر اخلاقی وی با کارگران شکایت کرده و درخواست پیگیری می کنند. شکایت کارگران بلافاصله به گوش کارفرما می رسد و به محض مراجعه کارگران به محل کار هر ۱۰ کارگر از کار خود کنار گذاشته می شوند.

تجمع کارگران فصلی نیشکر میان آب

برای بازگشت به کار و عقد قرارداد دائمی

روز یکشنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، گروهی از کارگران فصلی کشت و صنعت نیشکر "میان آب" با تجمع مقابل ساختمان فرمانداری شوش، خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی خود شدند. یکی از کارگران گفت: در واقع کارگران فصلی کشت و صنعت میان آب در بهار هر سال، فعالیت خود را در مزارع کشت نیشکر شروع کرده و تا شروع سرمای فصل زمستان به همکاری خود با این واحد تولیدی ادامه می دهند. این واحد تولیدی و کشاورزی تنها فرصت شغلی برای آنهاست که سالهاست در آن به صورت فصلی مشغول کارند.

در ادامه این اعتراضات صبح روز سه شنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، شماری از کارگران فصلی مزارع نیشکر کشت و صنعت "میان آب" بار دیگر با تجمع مقابل ساختمان فرمانداری شوش بر تحقق خواسته‌های خود پافشاری کردند. کارگران می گویند ما خواهان تبدیل وضعیت شغلی از فصلی به دائمی و مشخص شدن وضعیت دو ماه حقوق معوقه فصل قبل هستیم که هنوز دریافت نکرده ایم.

تجمع سرایداران زحمتکش مدارس در اعتراض به دستمزدهای پایین

روز سه شنبه یکم اردیبهشت ماه ۱۴۰۳، جمعی از نیروهای سرایداری مدارس دولتی کشور در اعتراض به افزایش ناچیز دستمزدها در سال جدید، پایین بودن حقوق و وضعیت بد معیشتی و تبعیض در پرداختی در مقایسه با همکاران فرهنگی و سایر همکاران خدماتی شاغل در ارگان‌های دولتی مقابل وزارتخانه‌ی آموزش و پرورش دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگران معدن زغال سنگ نگین طیس



روز سه شنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۳، کارگری در طیس گفت: کارگران معدن زغال سنگ نگین طیس واقع در استان خراسان جنوبی، خواستار پرداخت معوقات مزدی سال ۱۴۰۲، افزایش حداقل حقوق و سایر مزایای شغلی هستند و اعتراض خود را طی دو روز (۲۲ و ۲۳ فروردین) در یک تجمع در محوطه محل کار خود نشان دادند. کارگران از حداقل‌های مزدی برخوردارند و پرداخت بخشی از مطالبات مزدی آنها از سال گذشته به تعویق افتاده است. کارگران همچنین خواستار تامین امنیت شغلی خود هستند.

تجمع کشاورزان در شهرهای ورزنه و اصفهان

روز سه شنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۳، شماری از کشاورزان در شهرهای اصفهان و ورزنه تجمع اعتراضی برگزار کردند. بر اساس این گزارش، این کشاورزان با مشکل بی آبی روبرو هستند و تاکنون مسئولان مربوطه هیچ توجهی به اعتراضات آنان نداشته اند. این چندمین حرکت اعتراضی کشاورزان اصفهان و اطراف در سالهای اخیر می باشد.

برای آشنایی با دیدگاه ها و تحلیل های چریکهای فدائی خلق ایران از سایت های زیر دیدن کنید:

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه نمایید:

BM BOX 5051

LONDON

WC1N 3XX

آدرس پست الکترونیکی:

E-Mail:

ipfg@hotmail.com



"زمانی که فردی به فردی دیگر آسیب جسمی وارد می آورد، آن هم آسیبی که به مرگ وی بیانجامد، این را ما قتل غیر عمد می نامیم؛ و هنگامی که شخص ضارب از پیش بداند که آسیب وارده به مرگ طرف مقابل منجر خواهد شد، آنگاه عمل او را قتل عمد می نامیم. هنگامی که جامعه صد ها پروتتر را در چنان وضعی قرار می دهد که آنها به طور حتم به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، وقتی جامعه هزاران انسان را از شرایط لازم حیات محروم ساخته و آنها را در شرایطی قرار می دهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی آنها را به زور چوب قانون مجبور می سازد که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه اجتناب ناپذیر این شرایط است فرا رسد؛ وقتی جامعه می داند و به خوبی هم می داند که این هزاران نفر اجباراً قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را برقرار نگاه می دارد، این عمل جامعه یک نوع قتل عمد است، درست مثل قتل عمد توسط یک فرد؛ قتلی پنهانی و خائفانه، قتلی که هیچ کسی نمی تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتلی که ظاهراً قتل نیست، زیرا کسی قاتل را نمی بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی عملی ست تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد محرز است"

(فردریک انگلس "وضع طبقه کارگر در انگلستان")

صفحه اینستاگرام

بازرهای ماندگار ۲

BazrhayeMandegar2

به صفحه اینستاگرام «چریک های فدائی خلق ایران» پیوندید و آن را به دوستان تان هم معرفی کنید.

www.siahkal.com

چریکهای فدائی خلق ایران

